

بررسی رابطه بین میزان عزت نفس زنان و ویژگی‌های فردی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده

منصوره دسترنج*

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی رابطه بین میزان عزت نفس زنان و ویژگی‌های فردی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده می‌باشد. به عبارت دیگر، این مقاله به دنبال همبستگی میان عوامل اقتصادی - اجتماعی خانواده و ویژگی‌های فردی و میزان عزت نفس در میان زنان است. در این پژوهش تعداد ۳۷۵ نفر از زنان شهر لار با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب و با استفاده از روش پیمایش و پرسشنامه، اطلاعات لازم از آن‌ها جمع آوری شد. تحلیل اطلاعات از طریق spss انجام گرفت و نتایج زیر حاصل شد: از میان متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای (درآمد والدین، تحصیلات زنان، سن ازدواج، نوع رفتار والدین، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، تعداد فرزندان خانواده، وضعیت اشتغال زنان، شغل پدر) با عزت نفس رابطه داشته اند. اما در نهایت آزمون رگرسیون چند متغیره مرحله به مرحله نشان داد که تاثیرگذارترین متغیر بر روی عزت نفس در ابتدا نوع رفتار والدین بوده است. بنابراین خانواده یکی از قوی ترین عوامل سازنده شخصیت فرزندان می‌باشد و با در نظر گرفتن اهمیت نقش پدران و مادران و تاثیر عمیق و گسترده آن‌ها در تکوین شخصیت و رشد همه جانبه فرزندان به ویژه عزت نفس ضرورت دارد که کلیه دست اندرکاران امور آموزشی - تربیتی خانواده‌ها را با نوع رفتار با فرزندان بیش از پیش آشنا سازند.

واژه‌های کلیدی: عزت نفس، زنان، ویژگی‌های فردی - خانوادگی

مقدمه

عزت نفس از جمله سازه‌های روانشناختی است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از

روان‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. به طور کلی ارزیابی‌هایی که فرد از خود می‌کند عزت نفس او را شکل می‌دهد. همچنین عزت نفس درجه تصویب، تأیید، پذیرش و ارزشمندی است که شخص نسبت به خود احساس می‌کند (بیابانگرد، ۱۳۷۲: ۷۷-۷۶). ارتباط و پیوند افراد خانواده و رعایت احترام متقابل یکدیگر، در سلامت روانی- جسمانی فرد تأثیر بسزایی دارد، به گونه‌ای که الگوهای رفتاری وی را در بزرگسالی بنیان نهاده، موجبات امنیت خاطر و عزت نفس را در وی فراهم می‌آورد. اینجاست که نقش پدران و مادران از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حقیقت آینده و تقدیر کودکان و نوجوانان بستگی به شرایط و طرز عمل خانواده دارد. وضعیت اقتصادی، وضعیت تحصیلی، موقعیت جغرافیایی، دیدگاه مذهبی خانواده و بسیاری عوامل دیگر در شخصیت کودکان و نوجوانان تأثیر می‌گذارند. (آشوری، ۱۳۷۵: ۵)

به نظر می‌رسد که کیفیت روابط خانوادگی در کودکی اهمیت اساسی داشته باشد، زیرا در این زمان است که بذره‌های عزت نفس کاشته می‌شود. تصور می‌شود که مادر از این لحاظ نقش محوری ایفا می‌کند. اگر رابطه مادر - فرزند سالم باشد (یعنی کودک احساس کند که مادرش قادر است به احساسات و نیازهای او به سرعت و به طور مؤثر واکنش نشان دهد و آن‌ها را درک کند)، کودک خواهد توانست، در مورد خود و توانایی برقراری روابط شخصی صمیمی در بزرگسالی، احساس مثبت داشته باشد.

بنابراین عملکرد و ساختار خانواده در عزت نفس فرزندان مهم است. مطالعات نشان می‌دهد که فرزندان والدین طلاق گرفته و بی‌خانمانها می‌توانند، بر اثر این وضعیت، از عزت نفس ضعیفی برخوردار باشند (شبهان، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۱). آنچه در مقاله حاضر مورد پرسش است این که: چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های فردی-خانوادگی و عزت نفس وجود دارد؛ آیا اساساً میان ویژگی‌های فردی - خانوادگی و عزت نفس رابطه‌ای وجود دارد؟

از آنجایی که خانواده نخستین و مهم‌ترین کانون برای تربیت و برآوردن نیازهای فرزندان از جمله نیاز به عزت نفس می‌باشد، این پژوهش نیز با هدف سنجش عزت نفس و همچنین تعیین ارتباط بین عزت نفس و مشخصات فردی- خانوادگی نظیر: سن ازدواج فرد، تحصیلات زن، وضعیت اشتغال زن، رتبه تولد، تعداد فرزندان خانواده، تحصیلات والدین، درآمد والدین، وضعیت اشتغال مادر، شغل پدر، نوع رفتار والدین انجام شد.

مروری بر مطالعات پیشین

کشاوری (۱۳۸۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن شهر تهران» پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل ۲۰ تا ۵۰ ساله ساکن شهر تهران است و جمعیت نمونه‌ای که با آن‌ها مصاحبه شده ۲۴۱ نفر بوده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و پنداشت از خود زن رابطه وجود دارد. به بیان دیگر، در میان زنان دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر، پنداشت از خود مدرن دیده می‌شود.

معمدلی و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رابطه انواع جوهای عاطفی خانواده با عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» پرداخته‌اند. بدین منظور ۱۰۰ دانش آموز شامل ۵۰ نفر دختر و ۵۰ نفر پسر از مدارس ابتدایی شهرکرد با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج این مطالعه، حاکی از آن بود که دانش آموزانی که از ارتباط گرم و صمیمانه با والدینشان برخوردار هستند از عزت نفس و عملکرد تحصیلی بهتر و بالاتری برخوردار هستند. همچنین بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی ارتباط وجود داشت و پیشرفت تحصیلی پسران در خانواده طرد شده (جو عاطفی سرد) بیشتر از فرزندان دختر در همین خانواده بود.

کاووسیان و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیقی تحت عنوان «نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره خانوادگی دانش آموزان دبیرستانی» به بررسی نقش اشتغال مادر، اختلافات خانوادگی، تحصیلات والدین و تعداد فرزندان در خودپنداره خانوادگی دانش آموزان دبیرستانی پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان دبیرستان های دولتی سراسر کشور بوده است که به صورت تصادفی ۳۹۳۵ نفر از آن ها انتخاب شدند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که دو متغیر اختلافات والدین و تحصیلات والدین در پیش بینی خودپنداره خانوادگی دانش آموزان نقش بارزتری دارند و بیشترین تبیین مربوط به اختلافات والدین است. این نتیجه مبین آن است که اختلافات خانوادگی، خودپنداره را تحت تأثیر شدید قرار می‌دهد.

شفلر و همکاران ۲ در تحقیقی به بررسی «رابطه بین تأیید پدرانه و عزت نفس دختران» پرداخته‌اند. نمونه این مطالعه ۵۷ دانشجو بین سنین ۲۴-۲۰ سال بودند. نتایج این مطالعه، حاکی از آن بود که رابطه مثبتی بین تأیید پدرانه و عزت نفس دختران وجود دارد. (شفلر، ۱۹۹)

شیمن ۳ در مطالعه‌ای به بررسی «موقعیت اقتصادی- اجتماعی، شرایط شغلی: تبیین خودپنداره جهت بیان تأثیرات احتمالی جنسیتی» در جامعه کانادا پرداخته‌اند. نمونه این مطالعه ۱۳۹۳ نفر بین سنین ۵۵-۱۸ ساله بوده است. یافته این مطالعه بیانگر یک نوع همبستگی معناداری بین استقلال شغلی و عزت نفس در میان زنان بوده است. زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار از عزت نفس بالاتری برخوردارند. همچنین رابطه مثبتی بین میزان تحصیلات زنان و عزت نفس آنها وجود دارد بدین معنی که هر چه بر میزان تحصیلات زنان افزوده می‌شود عزت نفس آنها بالاتر می‌رود. (شیمن، ۲۰۰۲)

آربونا و همکاران ۴ در مطالعه‌ای تحت عنوان «وابستگی به والدین، عزت نفس و رفتارهای ضد اجتماعی در میان نوجوانان آمریکایی- آفریقایی، آمریکایی - اروپایی و آمریکایی - مکزیکی» به بررسی رابطه رفتار پدر و مادر با رفتار ضد اجتماعی و عزت نفس فرزندان پرداخته‌اند. بدین منظور ۴۸۸ دانش آموز دبیرستانی آمریکایی - آفریقایی، ۶۶۱ دانش آموز آمریکایی - اروپایی و ۴۳۴ دانش آموز آمریکایی - مکزیکی انتخاب شده‌اند. یافته‌های این مطالعه بیانگر این است که نوع رفتار والدین در میزان عزت نفس فرزندان و درگیری آنها در رفتارهای ضد اجتماعی مؤثر می‌باشد. بدین معنی که والدینی که رفتار استبدادی و اقتدارگرایانه با فرزندان داشته‌اند، فرزندان با عزت نفس پایین تر، همچنین فرزندان چنین خانواده‌هایی رفتارهای ضد اجتماعی بیشتری داشتند. (آربونا و همکاران، ۲۰۰۳)

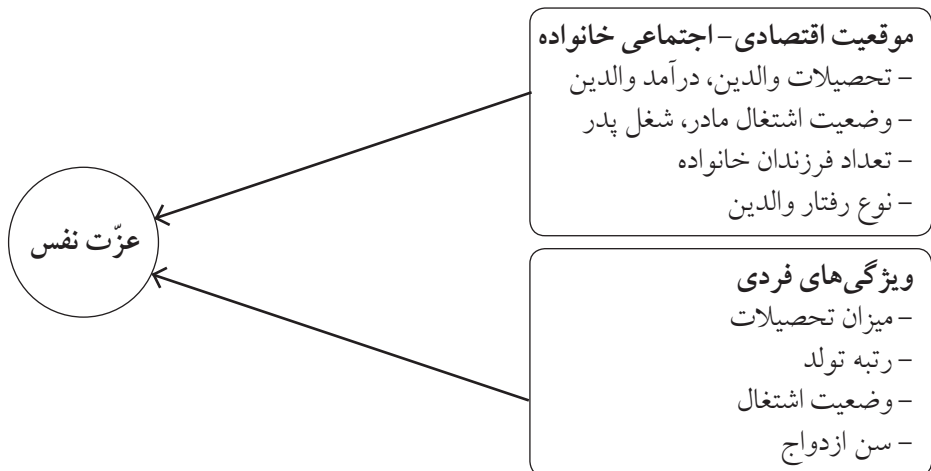
چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس رویکرد پدیدار شناختی است. این رویکرد به مطالعه شخصیت شامل نظریه‌هایی می‌گردد که گاه به عنوان نظریه‌های انسان‌گرا شناخته می‌شوند، زیرا در آن‌ها خصوصیتی تأکید می‌شود که تمایزدهنده انسان از حیوان هستند، گاهی هم از آن‌ها به عنوان نظریه‌های خویشتن یاد می‌شود. بر این اساس نظریه خویشتن راجرز به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. به عقیده وی خویشتن شامل تمام افکار، ادراکات، ارزش‌هایی است که من را تشکیل می‌دهد. من شامل «آنچه هستم» و «آنچه می‌توانم انجام دهم»، می‌شود. این خویشتن ادراک شده به نوبه خود بر ادراک فرد از جهان و همچنین بر رفتار او تأثیر می‌گذارد. فردی که از یک خودپنداره قوی و مثبت برخوردار است در مقایسه با فردی که خودپنداره ضعیف دارد، نظرگاه کاملاً متفاوتی نسبت به جهان خواهد داشت. خودپنداره لزوماً منعکس‌کننده واقعیت نیست، بلکه ممکن است شخصی که بسیار موفق و مورد احترام است خود را آدم شکست خورده‌ای بپندارد. تشکیل خودپنداره حاصل و پیامد ارزیابی تجربه‌هاست و افراد اساساً میل دارند به نحوی رفتار کنند که با خودانگاره آنان همخوان و همساز باشد و تجربه‌ها و احساساتی که با خودپنداره شخص همسازی ندارند تهدیدکننده‌اند.

جنبه دیگر خویشتن، خویشتن آرمانی است یعنی آن تصویری که می‌خواهیم باشیم بنابراین هر چه خویشتن آرمانی به خویشتن واقعی نزدیک‌تر باشد، اضطراب بالقوه کاهش می‌یابد و فرد راضی‌تر و خوشنودتر خواهد بود. راجرز برای رشد و پرورش نوزاد آدمی به خانواده و محبتی که کودک باید دریافت کند تأکید خاص دارد. تصور کودک از خود (خود واقعی و خود آرمانی) حاصل تعامل او با دیگران است که در وهله اول خانواده اهمیت زیادی پیدا می‌کند. (اتکینسون، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۰۰)

برای پاسخگویی به سؤالات پژوهش، فرضیات تحقیق به شرح زیر ارائه می‌شود:

مدل نظری و فرضیه‌های تحقیق



- ۱) به نظر می‌رسد بین تعداد فرزندان خانواده و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲) به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال زنان و عزت نفس آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳) به نظر می‌رسد بین تحصیلات زنان و عزت نفس آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴) به نظر می‌رسد بین تحصیلات مادر و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵) به نظر می‌رسد بین تحصیلات پدر و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۶) به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال مادر و عزت نفس آنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۷) به نظر می‌رسد بین سن ازدواج و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۸) به نظر می‌رسد بین رتبه تولد و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۹) به نظر می‌رسد بین نوع شغل پدر و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۰) به نظر می‌رسد بین درآمد والدین و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۱۱) به نظر می‌رسد بین نوع رفتار والدین و عزت نفس زنان رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش، روش پیمایشی ۵ است. از رایج ترین شیوه‌های گردآوری داده‌ها در روش پیمایشی، مصاحبه شخصی و استفاده از پرسشنامه است که در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش زنان بین ۲۵ تا ۴۵ ساله ساکن شهر لار می‌باشند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ کل جمعیتی که در این گروه های سنی قرار می‌گیرند ۱۴۶۹۳ نفر می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده است. براین اساس حجم نمونه در این پژوهش برابر با ۳۷۵ نفر می‌باشد.

برای انتخاب نمونه‌ها از شیوه نمونه گیری چندمرحله ای ۶ استفاده شده است. روال اصلی کار این است که در مرحله اول، جامعه مورد مطالعه به چند منطقه اصلی تقسیم می‌شود، از درون این مناطق بزرگ، مناطق کوچکتر انتخاب می‌شوند، و سرانجام از درون مناطق کوچکتر، به طور تصادفی ۷ به یک نمونه از خانوارها می‌رسیم.

در این پژوهش برای بالا بردن اعتبار طیف‌های مورد استفاده در سنجش متغیرها، پرسشنامه را به برخی از اساتید بخش جامعه شناسی و روان شناسی عرضه کردیم تا با جویا شدن نظر ایشان اعتبار پرسشنامه تأیید شود. برای ارزیابی قابلیت اطمینان (پایایی) پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای عزت نفس (با ۱۰ گویه) ۰/۸۷ درصد بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار کامپیوتری SPSS انجام شد و جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی، تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون دو و چند متغیره بهره گرفته شد.

متغیر وابسته این پژوهش عزت نفس است. کوپر اسمیت ۸ (۱۹۶۷) عزت نفس را احساس ارزشمندی از توانایی های خود تعریف کرده است. در این پژوهش برای سنجش عزت نفس از پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ استفاده شده است. این پرسشنامه با ۱۰ گویه در دامنه پنج گزینه ایی لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) سنجیده شده است.

یافته‌ها

با توجه به آمار توصیفی نمونه ما شامل ۳۷۵ نفر زن ساکن شهر لار بود که در رده سنی ۲۵-۴۵ سال قرار داشته و دارای میانگین سنی ۳۳/۸۶ سال بودند. حدود ۷۰/۷ درصد از این افراد خانه‌دار و ۲۹/۳ درصد شاغل بودند. از لحاظ وضعیت تأهل، ۱۴/۴ درصد از آن‌ها مجرد، ۸۱/۸ درصد متأهل و ۳/۸ درصد از آن‌ها بیوه و مطلقه بودند. از لحاظ سواد و تحصیلات نیز بیشترین تعداد یعنی ۴۹/۹ درصد دارای سطوح تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم، ۲۰/۳ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بودند و ۲۹/۸ درصد نیز در سطح بیسواد تا سیکل قرار داشتند. جدول شماره ۱ نتایج تحلیل رگرسیون را برای آزمون رابطه میان عزت نفس و سن ازدواج، تعداد فرزندان خانواده، رتبه تولد، تحصیلات زن، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، درآمد والدین و نوع رفتار والدین نشان می‌دهد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سن ازدواج و عزت نفس ارتباط معنی داری وجود دارد ($r=0/167$ و $\text{sig} \leq 0/003$) سن ازدواج ۱۶/۷ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد که بیانگر رابطه ضعیف میان این دو متغیر می‌باشد. ضریب تعیین (R^2) نشان می‌دهد که ۲/۸ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط سن ازدواج قابل تبیین است که این ضریب جهت تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه ۲/۵ درصد می‌باشد. مقدار ضریب B و بتا به ترتیب ۰/۲۹۸ و ۰/۱۶۷ بوده است. همچنین مقدار $F=9/17$ در سطح معنی داری ۰/۰۰۳ نشان دهنده رابطه معنی دار میان سن ازدواج و عزت نفس می‌باشد. همچنین یافته‌های آمده در جدول sig نشان می‌دهد که بین عزت نفس و تحصیلات ($r=0/426$ و $\text{sig} \leq 0/000$) ارتباط معنی داری وجود داشته است.

مقدار $R^2=0/182$ نشان می‌دهد که متغیر میزان تحصیلات ۱۸/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. در عین حال، مقدار $\text{Ad}=0/180$ بیانگر آن است که متغیر مستقل ۱۸ درصد از واریانس متغیر عزت نفس را در جامعه آماری تبیین می‌کند. مقدار ضریب B و بتا در این مورد به ترتیب ۰/۹۲۹ و ۰/۴۲۶ بوده است. ارقام بالا و سطح معنی داری به دست آمده از رد فرضیه صفر و تأیید وجود رابطه معنی دار میان میزان تحصیلات زنان و عزت نفس خبر می‌دهد. بنابراین رابطه مثبتی بین میزان تحصیلات زنان و عزت نفس آن‌ها وجود دارد. بدین معنی که هر چه تحصیلات زنان افزایش می‌یابد میزان عزت نفس آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. در مورد ارتباط بین عزت نفس و نوع رفتار والدین نتایج ($r=0/503$ و $\text{sig} \leq 0/000$) نشان داد که رابطه معنی داری بین عزت نفس و نوع رفتار والدین وجود دارد. طبق نتایج به دست آمده که در جدول مشهود است، نوع رفتار والدین ۵۰/۳ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. مقدار ضریب $R^2=0/253$ حاکی از آن است که متغیر نوع رفتار والدین قادر به توضیح ۲۵/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته در جمعیت نمونه است و ضریب تعیین استاندارد که اندازه اش برابر $\text{Ad}=0/251$ می‌باشد، بیانگر این واقعیت است که متغیر رفتار والدین ۲۵/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جامعه آماری تبیین می‌کند و مقدار ضریب B و بتا در این مورد به ترتیب ۰/۲۲۰ و ۰/۵۰۳ بوده است. مقدار $F=126/5$ با سطح معنا داری ۰/۰۰۰، نشان دهنده رد

فرضیه صفر یعنی وجود رابطه معنادار میان دو متغیر مذکور است. بدین معنی که والدینی که به شیوه دموکرات با فرزندان خود رفتار می‌کنند، فرزندان با عزت نفس بالا و والدینی که به شیوه استبدادی رفتار می‌نمایند، فرزندان با عزت نفس پایین پرورش می‌دهند.

بین عزت نفس و تحصیلات پدر ($r=0/190$ و $\text{sig} \leq 0/000$) ارتباط معنی داری وجود داشته است. مقدار $R=0/190$ بیانگر رابطه ضعیف میان دو متغیر میزان تحصیلات پدر و عزت نفس می‌باشد. متغیر مستقل $3/6$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. از سوی دیگر، در جامعه آماری نیز $3/3$ درصد از واریانس عزت نفس توسط میزان تحصیلات پدر قابل تبیین است. ضرایب B و بتا به ترتیب اعداد $0/310$ و $0/190$ را نشان می‌دهد. مقدار $F=13/94$ در سطح معنی داری $0/000$ نشان دهنده وجود رابطه معنی دار میان میزان تحصیلات پدر و عزت نفس می‌باشد.

بنابراین فرضیه صفر رد و این فرضیه تأیید می‌شود. بدین معنی که هر چه تحصیلات پدر بالاتر بوده عزت نفس واحدهای مورد پژوهش بالاتر بوده است. همچنین بین عزت نفس و تحصیلات مادر ($r=0/188$ و $\text{sig} \leq 0/000$) ارتباط معنی داری وجود داشته است. مقدار ضریب همبستگی پیرسون میان میزان تحصیلات مادر و عزت نفس عدد $0/188$ است که بیانگر رابطه‌ای ضعیف می‌باشد. مقدار نشان می‌دهد که متغیر میزان تحصیلات مادر $3/5$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. در عین حال مقدار $Ad=0/033$ بیانگر آن است که متغیر مستقل $3/3$ درصد از واریانس متغیر عزت نفس را در جامعه آماری تعیین می‌کند. مقدار ضریب B و بتا در این مورد به ترتیب $0/306$ و $0/188$ بوده است. مقدار $F=13/68$ در سطح معنی داری $0/000$ نشان دهنده وجود رابطه معنی دار میان میزان تحصیلات مادر و عزت نفس می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر رد و این فرضیه تأیید می‌شود. بدین معنی که هر چه تحصیلات مادر بالاتر بوده عزت نفس فرزندان بیشتر بوده است.

از آنجایی که تحصیلات والدین می‌تواند موجب آگاهی بیشتر و در نتیجه قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالاتر آن‌ها می‌شود و نیز موجب تغییر در افکار، عقاید، ارزش‌ها و شیوه تربیت آنان می‌شود و می‌دانیم که فرزندان بسیاری از الگوهای رفتاری، خصوصیات اخلاقی، انگیزه‌ها و نگرش‌ها و ارزشهای والدین خود را از طریق فرآیند تقلید و همانندسازی کسب می‌کنند و با توجه به این که نخستین سرپرست و مربی هر فرد مادر می‌باشد و شخصیت مادر مستقیماً بر روی شخصیت فرزندان تأثیر می‌گذارد بخصوص در فرزندان دختر که مادر اولین و مهم ترین الگو برای آن‌ها می‌باشد، لذا تحصیلات مادر یکی از عوامل تعیین کننده در بالابردن عزت نفس فرزندان می‌باشد. (آشوری، ۱۳۷۵: ۷)

بین عزت نفس و تعداد فرزندان خانواده ($r=0/129$ و $\text{sig} \leq 0/013$) ارتباط معنی داری وجود داشته است. مقدار ضریب همبستگی پیرسون میان تعداد فرزندان خانواده و عزت نفس عدد $0/129$ است که بیانگر رابطه‌ای ضعیف می‌باشد. مقدار R^2 نشان می‌دهد که این متغیر $1/7$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند.

در عین حال مقدار $Ad R^2$ بیانگر آن است که متغیر مستقل $1/4$ درصد از واریانس متغیر عزت نفس را در جامعه آماری تعیین می‌کند. مقدار ضریب B و بتا در این مورد به ترتیب $-0/533$ و $-0/129$ بوده است. مقدار $F=6/27$ در سطح معنی داری $0/013$ نشان دهنده وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر تعداد فرزندان خانواده و عزت نفس می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر رد و این فرضیه تأیید می‌شود.

بدین معنی که هر چه تعداد فرزندان خانواده کمتر بوده عزت نفس واحدهای مورد پژوهش بیشتر بوده است. در مورد ترتیب تولد نیز یافته‌ها نشان داد که بین رتبه تولد و عزت نفس فرزند چندم بودن در خانواده $6/8$ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. ضریب تعیین F نشان می‌دهد که $0/5$ درصد از واریانس عزت نفس توسط این متغیر قابل تبیین است که این ضریب جهت تعمیم به کل جامعه مورد مطالعه $0/2$ درصد می‌باشد. منفی بودن ضریب بتا رابطه معکوس بین دو متغیر مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. ضرایب B و بتا به ترتیب اعداد $-0/262$ و $-0/068$ را نشان می‌دهد. مقدار $F=1/73$ در سطح معنی داری $0/189$ نشان دهنده عدم وجود رابطه معنی دار میان فرزند چندم بودن در خانواده و عزت نفس می‌باشد و لذا فرض H_0 تأیید و فرض H_1 رد می‌شود.

بین درآمد والدین و عزت نفس ($r=0/209$ و $sig \leq 0/000$) ارتباط معنی داری وجود داشته است. طبق نتایج به دست آمده که در جدول مشهود است، درآمد خانوادگی $20/9$ درصد با متغیر وابسته همبستگی دارد. مقدار ضریب $0/044 =$ حاکی از آن است که متغیر درآمد خانوادگی قادر به توضیح $4/4$ درصد از واریانس متغیر وابسته در جمعیت نمونه است و ضریب تعیین استاندارد که اندازه‌اش برابر $Ad = 0/041$ می‌باشد، بیانگر این واقعیت است که متغیر درآمد خانوادگی $4/1$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جامعه آماری تبیین می‌کند و مقدار ضریب B و بتا در این مورد به ترتیب $-0/06$ و $E-0/356$ و $0/209$ بوده است. مقدار $F=17/08$ با سطح معناداری $(0/000)$ نشان دهنده رد فرضیه صفر یعنی وجود رابطه معنادار میان دو متغیر مذکور است.

اهمیت درآمد والدین یا به عبارتی رئیس خانواده اعم از «شوهر یا پدر» در اکثر تحقیقات اجتماعی مورد تأیید واقع شده است چرا که اگر بتوان درآمد والدین را به عنوان یکی از شاخص‌های سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده دانست پس می‌توان چنین استنباط کرد که با افزایش درآمد والدین تغییر عمده‌ای در میزان عزت نفس فرزندان حاصل خواهد شد.

جدول ۱: نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون رابطه سن ازدواج، تحصیلات زن، نوع رفتار والدین، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، تعداد فرزندان خانواده، رتبه تولد، درآمد والدین با عزت نفس

نام متغیر	R	R ²	R ² Ad	اشتباه استاندارد	ضریب B	بتا	مقدار F	Sig
سن ازدواج	۰/۱۶۷	۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	۶۵۰	۰/۲۹۸	۰/۱۶۷	۹/۱۷	۰/۰۰۳
تحصیلات زن	۰/۴۲۶	۰/۱۸۲	۰/۱۸۰	۶۱۸	۰/۹۲۹	۰/۴۲۶	۸۲/۸۸	۰/۰۰۰
نوع رفتار والدین	۰/۵۰۳	۰/۲۵۳	۰/۲۵۱	۵/۹۰۹	۰/۲۲۰	۰/۵۰۳	۱۲۶/۵	۰/۰۰۰
تحصیلات پدر	۰/۱۹۰	۰/۰۳۶	۰/۰۳۳	۶۷۱	۰/۳۱۰	۰/۱۹۰	۱۳/۹۴	۰/۰۰۰
تحصیلات مادر	۰/۱۸۸	۰/۰۳۵	۰/۰۳۳	۶۷۱	۰/۳۰۶	۰/۱۸۸	۱۳/۶۸	۰/۰۰۰
تعداد فرزندان خانواده	۰/۱۲۹	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۶۷۸۱	-۰/۵۳۳	-۰/۱۲۹	۶/۲۷۳	۰/۰۱۳
رتبه تولد	۰/۰۶۸	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۶۸۲	-۰/۲۶۲	-۰/۰۶۸	۱/۷۳	۰/۱۸۹
درآمد والدین	۰/۲۰۹	۰/۰۴۴	۰/۰۴۱	۶۶۸	۵/۳۵۶-E.۰۶	۰/۲۰۹	۱۷/۰۸	۰/۰۰۰

برای مشاهده این که آیا میانگین نمره عزت نفس زنان بر حسب وضعیت اشتغال تفاوتی معنادار با هم دارد یا نه، آزمون تی مستقل به کار گرفته شد. همچنان که در جدول شماره ۲ دیده می‌شود، بالاترین درصد میانگین مربوط به زنان شاغل با ۳۷/۹۲ درصد و کمترین میانگین مربوط به زنان خانه‌دار با ۳۶/۱۹ درصد می‌باشد که این امر نشان دهنده تفاوت عزت نفس بر حسب وضعیت اشتغال زنان می‌باشد. با توجه به مقدار T به دست آمده که برابر ۲/۲۴ و سطح معنی داری ۰/۰۲۵ می‌توان چنین نتیجه گرفت که تفاوت معنی داری بین میانگین‌های مشاهده شده وجود دارد و فرضیه ما در سطح بیش از ۹۵ درصد اطمینان قابل تأیید می‌باشد.

جدول ۲- آزمون تفاوت میانگین عزت نفس بر حسب وضعیت اشتغال

نام متغیر	وضعیت اشتغال	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	مقدار T	Sig
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۱۰	۳۷/۹۲	۶۷۷	۰/۶۴۶	۲/۲۴	۰/۰۲۵
	خانه‌دار	۲۶۵	۳۶/۱۹	۶۷۹	۰/۴۱۷		

جدول شماره ۳ یافته‌های تحلیل واریانس عزت نفس را با نوع شغل پدر نشان می‌دهد. داده‌های موجود در جدول نشان می‌دهد که کمترین درصد میانگین $33/90$ درصد مربوط به پاسخگویانی می‌باشد که شغل پدر خویش را کارگر ذکر نموده‌اند و بیشترین درصد تفاوت میانگین $40/33$ و $37/22$ مربوط به پاسخگویانی می‌باشد که شغل پدر آنان به ترتیب معلم و آزاد بوده است. که این امر نشانگر تفاوت معنی‌داری بین میانگین حاصله از مشاغل مختلف می‌باشد. با توجه به مقدار F به دست آمده که برابر است با $4/48$ و سطح معنی‌داری $0/00$ تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌ها معنی‌دار است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود. به این ترتیب زنانی که پدرانشان در رده‌های شغلی معلمی بوده‌اند، از عزت نفس بالاتری نسبت به سایر زنان برخوردارند.

جدول ۳- آزمون رابطه بین شغل پدر پاسخگویان و عزت نفس

نام متغیر	شغل پدر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	Sum of squares	مقدار F	Sig
شغل پدر	کارمند	۶۴	۳۵/۶۷	۷/۴۷	۰/۹۳۴	۶۱۰/۷۵	۴/۴۸	۰/۰۰۴
	کارگر	۴۰	۳۳/۹۰	۷/۴۳	۱/۱۷			
	آزاد	۲۵۹	۳۷/۲۲	۶/۴۹	۰/۴۰۳			
	معلم	۱۲	۴۰/۳۳	۵/۱۲	۱/۴۷			

جدول شماره ۴ نشان دهنده تفاوت میانگین عزت نفس بر حسب وضعیت اشتغال مادر می‌باشد. با توجه به داده‌های جدول می‌توان چنین استنباط نمود که میانگین عزت نفس برای زنانی که مادران آن‌ها شاغل بوده است $36/95$ و برای آن‌هایی که شغل مادر خود را خانه‌دار ذکر کرده‌اند $36/67$ بوده است. با توجه به مقدار T به دست آمده که برابر با $0/250$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده که $0/803$ است فرضیه ما رد می‌شود.

جدول ۴- آزمون رابطه بین وضعیت اشتغال مادر پاسخگویان و عزت نفس

نام متغیر	وضعیت اشتغال	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	اشتباه استاندارد	مقدار T	Sig
وضعیت اشتغال	شاغل	۴۲	۳۶/۹۵	۶/۹۶	۱/۰۷	۰/۲۵۰	۰/۸۰۳
	خانه‌دار	۳۳۳	۳۶/۶۷	۶/۸۲	۰/۳۷۳		

جدول شماره ۵ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله را برای متغیر وابسته عزت نفس نشان می‌دهد. متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند، چهار متغیر بوده‌اند

که در جدول مشخص می‌باشند. اولین متغیر وارد شده نوع رفتار والدین می‌باشد که تقریباً $0/۲۶$ از متغیر وابسته را تبیین کرده است. جهت رابطه نیز مثبت است بدین معنی که والدینی که به شیوه دموکرات با فرزندان خود رفتار می‌کنند، فرزندان با عزت نفس بالا و والدینی که به شیوه استبدادی رفتار می‌شد، فرزندان با عزت نفس پایین پرورش می‌دهند. دومین متغیر شغل پدر (کارمندی) بود که همراه با متغیر قبلی توانست ۳۱ درصد از متغیر وابسته را تبیین کند. مقدار افزوده شده به R^2 در این مرحله $۰/۳۱$ می‌باشد. در اینجا جهت رابطه منفی، نشان دهنده این است که زنانی که پدران آنها در سطوح شغلی پایین تری قرار داشتند از عزت نفس پایین تری برخوردار بودند. سومین متغیر وارد شده در معادله رگرسیون، تحصیلات زن می‌باشد. جهت مثبت رابطه نشان می‌دهد که هر چه میزان تحصیلات زنان بیشتر باشد، عزت نفس آنان نیز بیشتر می‌شود. متغیر یاد شده به همراه دو متغیر پیشین ۳۶ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند. مقدار افزوده شده به R^2 در این مرحله $۰/۳۵$ می‌باشد. آخرین متغیر وارد شده به معادله رگرسیون، متغیر درآمد والدین می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که درآمد والدین تأثیر عمده‌ای بر روی عزت نفس فرزندان دارد. مقدار R^2 اضافه شده در این مرحله $۰/۳۷$ می‌باشد. به طور کلی متغیرهای وارد شده توانستند ۳۷ درصد از متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۵: نتایج رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله برای متغیر وابسته عزت نفس

مرحله	متغیر	R	R ^۲	R ^۲ Ad	B	Beta	اشتباه استاندارد	مقدار T	Sig
اول	رفتار والدین	۰/۵۰۹	۰/۲۵۹	۰/۲۵۷	۰/۲۲۱	۰/۵۰۹	۵/۶۷	۱۰/۵۶	۰/۰۰۰
دوم	شغل پدر (کارمند)	۰/۵۶۲	۰/۳۱۶	۰/۳۱۲	-۴/۲۱	-۰/۲۴۳	۵/۴۶	-۵/۱۳	۰/۰۰۰
سوم	تحصیلات زن	۰/۵۹۹	۰/۳۵۹	۰/۳۵۳	۰/۵۰۲	۰/۲۳۵	۵/۲۹	۴/۶۲	۰/۰۰۰
چهارم	درآمد والدین	۰/۶۰۹	۰/۳۷۰	۰/۳۶۲	۲/۵۹۶	۰/۱۰۸	۵/۲۶	۲/۳۴	۰/۰۱۹

$$a=۱۷/۷۹۸ \quad F=۴۶/۴۵ \quad Sig=۰/۰۰۰$$

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه ویژگی‌های فردی- خانوادگی و عزت نفس، در میان زنان شهر لار انجام شد. در ابتدا پس از مطالعه مقدماتی، پیشینه تحقیقات در حوزه مورد نظر بررسی شدند. برای طراحی الگوی تحقیق از نظریات روان شناختی استفاده به عمل آمد. همچنین در اینجا از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شد. جامعه آماری، کلیه زنان ۲۵-۴۵ سال شهر لار در برمی گرفت. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه گیری چند مرحله‌ای استفاده شده است. حجم نمونه نیز ۳۷۵ نفر برآورد گردید. به طور کلی، خلاصه‌ای از یافته‌ها را

می‌توان به شرح زیر ارایه کرد:

- ۱- متغییر تحصیلات زن رابطه معناداری با عزت نفس دارد. از آنجایی که تحصیلات به عنوان یک شاخص با اهمیت در شرایط و موقعیت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود می‌توان اذعان داشت که با افزایش تحصیلات فرد، هم باور و تصور وی نسبت به توانایی های خود افزایش می‌یابد و هم دامنه ارتباطات اجتماعی وی گسترده‌تر می‌گردد.
- ۲- تحصیلات والدین رابطه معناداری با عزت نفس دارد. از آنجایی که تحصیلات والدین می‌تواند موجب آگاهی بیشتر و در نتیجه قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالاتر آن‌ها می‌شود و نیز موجب تغییر در افکار، عقاید، ارزش ها و شیوه تربیت آنان می‌شود و می‌دانیم که فرزندان بسیاری از الگوهای رفتاری، خصوصیات اخلاقی، انگیزه‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌های والدین خود را از طریق فرآیند تقلید و همانند سازی کسب می‌کنند و با توجه به این که نخستین سرپرست و مربی هر فرد مادر می‌باشد و شخصیت مادر مستقیماً بر روی شخصیت فرزندان تأثیر می‌گذارد به خصوص در فرزندان دختر که مادر اولین و مهم ترین الگو برای آن‌ها می‌باشد، پس سطح سواد مادر یکی از عوامل تعیین کننده در بالابردن عزت نفس فرزندان می‌باشد. (آشوری، ۱۳۷۵: ۷)
- ۳- بین عزت نفس و تعداد فرزندان خانواده ارتباط معناداری وجود داشته است. بدین معنی که هر چه تعداد فرزندان خانواده کمتر بوده، عزت نفس زنان بیشتر بوده است.
- ۴- زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار از عزت نفس بالاتری برخوردار بودند. اشتغال زنان را باید به عنوان یکی از منابعی دانست که باعث افزایش قدرت و نفوذ زنان و ارتقاء جایگاه آنان در جامعه می‌گردد. به ویژه آن که زنان شاغل به دلیل استقلال مالی در مقایسه با زنان خانه‌دار از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در خانواده برخوردار هستند که این امر باعث بالا رفتن سطح عزت نفس آنان می‌شود. بنابراین اشتغال زنان علاوه بر منافع و درآمد حاصله از آن می‌تواند باعث افزایش اعتماد به نفس، حق انتخاب و در نتیجه استقلال نسبی مالی شود.
- ۵- نوع رفتار والدین رابطه معنی‌داری با عزت نفس دارد. بدین معنی که والدینی که به شیوه دموکرات با فرزندان خود رفتار می‌کنند، فرزندان با عزت نفس بالا و والدینی که به شیوه استبدادی رفتار می‌کنند، فرزندان با عزت نفس پایین پرورش می‌دهند.
- ۶- به طور کلی، با استفاده از رگرسیون چند متغییره به شیوه مرحله به مرحله، مشخص شد که چهار متغییر بیشترین تأثیر بر عزت نفس زنان دارند. این چهار متغییر که در چهار مرحله وارد معادله شدند عبارتند از: نوع رفتار والدین، شغل پدر، تحصیلات زن، درآمد والدین. در مجموع، چهار متغییر یاد شده توانستند ۰/۳۷ از متغییر وابسته را تبیین کنند.

پی نویس ها

- 1- Scheff
- 2- Scheffler and et al
- 3- Schieman
- 4- Arbona and et al
- 5- survey
- 6- multistage sampling
- 7- random
- 8- coopersmith
- 9- Scheffler and et al

منابع

- ۱- اتکینسون، ریتا ال (۱۳۸۲)، زمینه روان شناسی. ترجمه محمد تقی براهنی و دیگران، تهران: انتشارات رشد.
- ۲- آشوری، الهه (۱۳۷۵)، «بررسی ارتباط بین میزان عزت نفس و ویژگی های فردی، خانوادگی در دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر اصفهان»، مجله شیمی، شماره ۹۰، شماره انتشار ۹، شماره نمایه ۸۷.
- ۳- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۲)، روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ۴- شیهان، ایلین (۱۳۸۳)، عزت نفس، ترجمه مهدی گنجی، تهران: نشر ویرایش.
- ۵- کاوسیان، جواد و کدیور، پروین (۱۳۸۴)، «نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره خانوادگی دانش آموزان دبیرستانی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۹، ص ۹۱، تهران.
- ۶- کشاورز، خدیجه (۱۳۸۱)، بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر پنداشت از خود زنان متأهل ساکن شهر تهران: رساله کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۷- معتمدی، عبدالله و پورنصیری، زهرا (۱۳۸۳)، «رابطه انواع جوهای عاطفی خانواده با عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان»، پژوهشکده خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

1- Arbona,C.& Power,T.G.(2003)."Parental Attachment,Self-Esteem, and Anti Social Behaviors Among African American, European American, and Mexican American Adolescent". Journal Of Counseling Psychology, Vol, 50. No, 1. PP, 40-51.

2- Coopersmith, S. (1967). The Antecedents of Self-esteem. San Francisco: Freeman Press.

3- Scheffler & Naus, T.S.& Canadian,P.J.(1999). "The Relationship Between Affirmatin And A Womans Self-Esteem, Fear Of Intimacy, Comfort With Womanhood And Comfort With Sexuality". Journal Of Human Sexuality, Vol,8. No,1. P,39.

4- Schieman, S. (2002). "Socioeconomic status, job conditions, and well-being: Self-concept explanation for gender-contingent effects".Journal of Social Science, Vol.43,44,p.627.